irannewspaper.ir

• شنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ • سال سی‌ام • شماره ۸۴۲۶
• اذان ظهر ۱۲/۱۳ • اذان مغرب ۱۸/۳۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۱ • اذان صبح فردا ۴/۴۸ • طلوع آفتاب فردا ۶/۱۲

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
• مهدی مهرپور (اقتصادی)
• زرین رستمی وند (اجتماعی)
• بنفشه غلامی (جهان)
• لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)
• زهرا کشوری (زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار (حوادث)
• مهدی کلهرنژاد (اجرایی)
• حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری)
• ابوالفضل نسایی (عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
• **سازمان آگهی های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

هدف من در زندگی کسب افتخار بود، ولی خب مگر افتخار چیست؟ همان عشق به دیگران است. میل خدمت به آنها.

جنگ و صلح. لئو تولستوی

سخن روز

حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

از نیرنگ بپرهیز که خوی فرومایگان است.

تحف‌العقول: ص۹۸

نگاره

رمضان درغزه

فضای مجازی

هنرمندترین زوج کمدی سینما اسکار نگرفتند

سعید مستغاثی در ادامه سلسله یادداشت‌های مرتبط با اسکار با انتشار تصویری از استن لورل و جایزه اسکار افتخاری‌اش در سال ۱۹۶۱ نوشته است: «این جایزه در زمانی به استن لورل اهدا گردید که همراه همیشگی‌اش یعنی الیور هاردی، ۴ سال بود روی در نقاب خاک کشیده بود. لورل و هاردی حدود نیم قرن با ده‌ها فیلم کوتاه و بلند مردم سراسر جهان را خنداندند و با شوخی‌های ناب خود، همچنان در نسل‌های مختلف پرطرفدار ماندند. اما هیچ‌گاه به هیچ‌کدام از فیلم‌های آنان جایزه اسکار تعلق نگرفت. نه تنها جایزه اسکار که جوایزی مانند گلدن‌گلوب و بفتا و کن و برلین و ونیز و... را هم نگرفتند، در هیچ لیست برگزیدگان انجمن‌ها و کانون‌ها و اتحادیه‌های هنری هم نبودند، در فصل جوایز هم راهی نداشتند، حتی نامزد دریافت جایزه یا تقدیر و تحسین هم نشدند! استن لورل بجز این جایزه افتخاری، یک سال قبل از مرگش جایزه‌ای افتخاری هم از انجمن بازیگران گرفت و ۴۰ سال پس از مرگش نیز در فهرست نوابغ دنیا ثبت گردید! اما برای الیور هاردی، حتی همین دو مورد هم وجود نداشت!! هنرمند و بازیگر و کمدین ماندگاری که هیچ تقدیر و جایزه و تحسین و نامزدی و... در کارنامه‌اش به چشم نمی‌خورد. الیور هاردی ۸ سال قبل از دوست همیشگی‌اش استن لورل، در سن ۶۵ سالگی و در اثر بیماری که باعث شد بیش از ۴۵ کیلو از وزنش کاسته شود، درگذشت. فیلم «استن و اولی» ساخته جان اس برد در سال ۲۰۱۸، روایتی تراژیک از زندگی این دو هنرمند است. به نظرم در این تصویر اشاره استن لورل به جایزه اسکار، نوعی تمسخر و مضحکه آن به روش همیشگی خودش است که پس از ده‌ها سال، وقتی زمان طولانی از پایان ساخت فیلم‌های‌شان گذشته، وقتی رفیق همیشگی‌اش دیگر در دنیا نیست، وقتی آرزویش در زمان اوج فیلم‌های دونفره‌شان برای بردن جایزه تحقق نیافت وقتی... این جایزه چه معنی و مفهومی جز تمسخر و مضحکه می‌تواند داشته باشد!»

دعوت بازیگر «نگهبان شب» به تماشای «آپاراتچی»

تورج الوند که دو سال متوالی به خاطر بازی در فیلم‌های «نگهبان شب» و «اتاقک گلی»، نامزد بهترین بازیگر مرد جشنواره فجر شده بود، امسال در نقشی متفاوت در فیلم سینمایی «آپاراتچی» به کارگردانی علی طاهرفر و تهیه‌کنندگی سجاد نصراللهی نسب ظاهر شد. او با انتشار پوستر این فیلم دنبال‌کنندگان صفحه اینستاگرامش را به تماشای این فیلم اکران نوروز دعوت کرده است. «آپاراتچی» که فیلمی اقتباس شده از کتابی با همین نام است داستان جلیل، نقاش ساختمان عاشق سینماست که دستی در فیلم‌سازی هم دارد و می‌خواهد از هر طریقی که شده نخستین فیلم سینمایی خود را ساخته و به بزرگ‌ترین رویایش که دریافت سیمرغ جشنواره فجر است دست پیدا کند.

اکران «بی‌بدن» با صدای محسن چاووشی

محسن چاووشی با انتشار برشی از اجرایش، از تیتراژخوانی برای فیلم «بی بدن» خبر داده است. «بی‌بدن» به کارگردانی مرتضی علیزاده از آثار پرمخاطب چهل و دومین جشنواره فیلم فجر بود که از چهارشنبه ۲۳ اسفندماه در ترکیب اکران نوروزی، به نمایش عمومی درآمده است. نوید پورفرج، غزل شاکردوست، سروش صحت، پژمان جمشیدی، گلاره عباسی و... از بازیگران این فیلم هستند.

علی قمصری در هلند

علی قمصری در پستی تارنوازی با یک گروه هلندی را به اشتراک گذاشت و نوشت: «دیدار با این همدلان غیرایرانی که چنین شیرین و شیوا، اثری از ثمین باغچه‌بان را برای نوروز به ایرانیان هدیه دادند، سفرم به هلند را زیباتر کرد. خوشحالم که مرا به عنوان عضوی از گروهشان پذیرفتند تا در این پیام تبریک سهم داشته باشم. جالب است که شعر را آنها به من یاد دادند. در سفر اخیرم به اروپا دریافتم که «تارایرانی» تنها مسافر جاده‌های ایران نبوده است. بازتاب و طنین فراگیر این جریان مسئولیتم را چند برابر می‌کند.»

در روزهای پایانی اسفند

ملیکا زارعی در متن کوتاهی به مناسبت روزهای پایانی سال نوشته است: «سال هم داره تموم میشه، با تمام خوبی‌ها و بدی‌هاش، مهربونی‌ها و نامهربونی‌ها، یه نگاه بندازی می‌بینی، هیچ چیز ابدی نیست، نه لبخندهای از ته دل، نه غم‌های نفسگیر ...، تمام می‌شود. هر احساسی پایانی دارد و زندگی امتداد این شادی و غم‌هاست، همراه‌شان باشیم و در هیچ کدام‌شان گیر نکنیم. یاد بگیریم در لحظه‌ها زندگی کنیم اما به هیچ لحظه‌ای دل نبندیم. گذر کنیم و با تمام وجود ثانیه‌های بعد رو در آغوش بگیریم و لحظات شیرینش رو با آنهایی که در هر شرایطی با تو همراه بودند تقسیم کنیم.»

نقل قول

خاطرات فیلمبردار پیشکسوت سینما درباره سال‌های دور

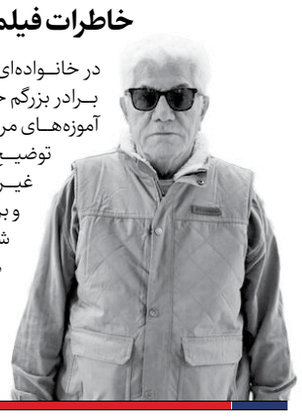

در خانواده‌ای بزرگ شدم که نسبت به هنر حساسیت خاصی داشتند و تئاتر و نمایش را دنبال می‌کردند. برادر بزرگم حسن، نقاش بسیار چیره‌دستی بود و زمانی که کار می‌کرد کنار او می‌ایستادم و بسیاری از آموزه‌های مربوط به ترکیب رنگ، تقسیم‌بندی قاب و نورپردازی را از برادرم که با دقت و حوصله برای من توضیح می‌داد، یاد گرفتم. برادر دیگرم مسعود نیز در آن زمان عکاسی می‌کرد، در چنین شرایطی غیرارادی از هر ۲ برادرم یاد می‌گرفتم. در خانه ما اغلب درباره تئاتر صحبت می‌کردند زیرا خواهر و برادرهایم در تبریز بازیگر تئاتر بودند و در صحبت‌های آنها متوجه می‌شدم که درباره مولیر، شکسپیر و چخوف صحبت می‌کردند. من آنها را می‌شنیدم و برایم بسیار جذاب بود. در همان زمان کودکی وقتی خواهر و برادرهایم درباره سینما و تئاتر صحبت می‌کردند، در ذهنم از صحبت‌های آنها تصویر می‌ساختم و همه اینها دست به دست هم داد و از من شخصیتی ساخت که به سمت سینما، نور، نقاشی و عکاسی سوق پیدا کردم.

بخشی از گفته‌های علیرضا زرین‌دست، فیلمبردار پیشکسوت سینما با مهر

کلمه

علی‌الله‌سلیمی
نویسنده و منتقد ادبی

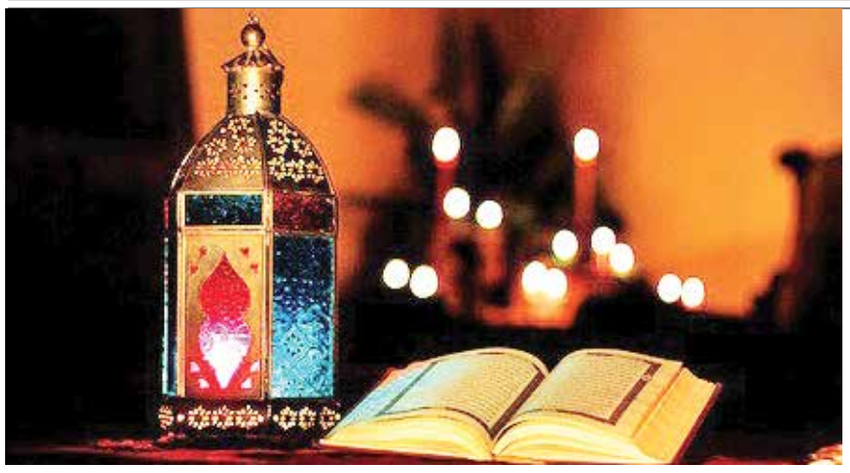

آیین‌های رمضان در سفرنامه‌های سیاحان جهان

فرهنگ شفاهی مردم ایران در گرامیداشت آیین‌های ماه مبارک رمضان چنان ریشه عمیق، قوی و مستحکمی دارد که با گذشت قرن‌های متمادی هنوز هم بسیاری از این آیین‌ها با صلابت هر چه بیشتر جلوه‌گری می‌کند و اگر نگاهی به نحوه اجرای برخی از این آیین‌ها در قرون گذشته بیندازیم و بعد مقایسه‌ای با برپایی این آیین‌ها در زمان حال داشته باشیم، می‌بینیم اغلب این آیین‌ها نه تنها فراموش نشده بلکه با شکوه به مراتب بیشتری در بین مردم رایج است و گذشت زمان فقط حال و هوای برپایی برخی از این آیین‌ها را تا حدودی متفاوت کرده است.

در این میان، یکی از بهترین قیاس‌ها، مراجعه به سفرنامه‌های سیاحان معروف جهان است که طی قرون گذشته به هنگام فرارسیدن ماه مبارک رمضان در میان مردم ایران حضور داشته و دیده و شنیده‌های خود از آیین‌های مردمی این ایام را ثبت و ضبط کرده‌اند.

با مطالعه برخی از این سفرنامه‌ها، این تصور به مخاطب امروزی دست می‌دهد که انگار آن سیاحان معروف که در قرون گذشته زیسته و مشاهدات خود را از سفر به ایران نگاشته‌اند، همین دیروز بوده که به ایران آمده و درباره فرهنگ رمضان در میان مردم روایت‌گری کرده‌اند.

یکی از این سیاحان، انگلبرت کمپفر، پزشک و طبیعی‌دان و مستشرق آلمانی است که در سال ۱۶۸۳ میلادی و در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸هجری) از جانب دولت سوئد به عنوان سفیر به ایران آمد.

او نزدیک به دو سال در ایران اقامت داشت. کمپفر در بخشی از سفرنامه خود درباره مناسبت شب‌های قدر می‌نویسد: «شب‌های قدر، یعنی ۲۱،۱۹ و ۲۳ ماه رمضان است.

مردم در این شب‌ها که شب‌های استجابت دعا هستند، در مساجد یا در خانه‌ها به دعا و نیایش می‌پردازند.» حالا برگزاری آیین‌های ویژه شب‌های قدر با گستردگی قابل توجه در زمانه اکنون نشان می‌دهد این آیین‌های ویژه در گذر زمان کمرنگ نشده و بلکه به مراتب فراگیرتر هم شده است.

انگلبرت کمپفر در سفرنامه خود ضمن اشاره به روزه‌داری شاه صفوی، به پایبندی شدید مردم در روزه‌داری در طول ماه رمضان و مراسم‌های افطار و نیایش‌های شب‌های احیا و رفتن مردم به مساجد اشاره کرده است.

همچنین او به مراسم‌های عید فطر، رؤیت ماه جدید، نقاره‌زنی در میادین و پرداخت فطریه به صورت مرسوم میان مردم اشاره کرده است.

با نگاه به بسیاری از این مراسم‌ها می‌بینیم که اغلب آنها همچنان در میان مردم رایج است. از دیگر سیاحان معروف که در ایام ماه مبارک رمضان در میان مردم ایران حضور داشته و مشاهدات خود را در سفرنامه‌اش مکتوب کرده، سر ژان شاردن، جهانگرد و فیلسوف بزرگ فرانسوی است که در سن ۲۲ سالگی تصمیم گرفت نخستین سفر جهانگردی خود را از آسیا و هند شرقی آغاز کند که بیشترین تمایلش از این سفر، عشق به دیدن ایران بود.

شاردن هم به شادی و جشن مردم در پایان ماه رمضان همزمان با پایان روزه‌داری در سفرنامه خود اشاره کرده است؛ موضوع آشنایی که امروزه هم در پایان ماه رمضان شاهد جشن و شادی مردم هستیم.

در بخشی از سفرنامه شاردن با اشاره به هشتمین روز سفر خود به تاریخ قمری اشاره کرده و در ترسیم رفتار ایرانی‌ها در پایان ماه رمضان می‌نویسد: «روز هشتم، برابر با ماه شوال، آخرین روز رمضان، ماه دیده شد و مردم به دیدن آن شادمان شدند، زیرا ماه روزه‌داریشان به پایان رسیده بود.» سایر آیین‌ها و رفتارهای مردم ایران در ماه رمضان هم از چشم سیاحان جهان دور نمانده و «ماساهارو» سیاح ژاپنی که مقارن با عهد ناصرالدین شاه در ایران حضور داشت علاوه بر نخوردن و نیاشامیدن به آداب دیگر مردم ایران در ماه رمضان در سفرنامه خود اشاره کرده است که مربوط به پرهیز از انجام بسیاری از امور مانند پرهیز از دروغگویی و غیبت و نیز پرهیز از کسب و کار غیرحلال می‌شود؛ رفتارهای آشنایی در این ماه مبارک که اکنون هم شاهد آن هستیم .

همچنین «پیترو دلاواله» سیاح ایتالیایی در سفرنامه خود به شب شهادت حضرت علی(ع) و دسته‌های عزاداری که مردم در این ایام برگزار کرده‌اند اشاره دارد که این حرکت‌های مردمی در این ایام هم در زمانه ما نیز غریب و ناآشنا نیست.

دعای روز پنجم ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنی فِیهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ وَ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الْقَانِتِینَ وَ اجْعَلْنی فِیهِ مِنْ أَوْلِیائِکَ الْمُقَرَّبِینَ بِرَأْفَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

خدایا قرار ده مرا در این ماه از آمرزش جویان و از بندگان شایسته فرمانبردار و از اولیای مقرّبت، به رأفتت ای مهربان ترین مهربانان

یادداشت

خداوند، بزرگ‌ترین قصه‌گوی جهان است

علی باباجانی
نویسنده کودک و نوجوان

اولین مرتبه‌ای که با قرآن کریم آشنا شدم، به سال‌های کودکی‌ام بازمی‌گردد، هر چه برمی‌گردم به گذشته که ببینم چه‌وقت با قرآن کریم آشنا شدم، یادم نمی‌آید. شاید به خاطر حضور قرآن در خانه بود که مثل نماز خواندن در خانه‌مان عادی بود؛ ولی اگر به اولین‌بار فکر کنم، سه جا را به یاد می‌آورم؛ مسجد که با پدرم می‌رفتم و ردیف قرآن در قفسه مرا به خود جلب می‌کرد، مدرسه که معلم به ما یاد می‌داد و خانه. وقتی که نقل مکان کردیم، اولین چیزی که به خانه جدید بردیم، قرآن بود.

قرآن کریم پر از قصه است و با قاطعیت می‌توان گفت که خداوند، بزرگ‌ترین قصه‌گوی جهان است. اصلاً قصه‌گویی را ما از قرآن یاد گرفتیم؛ مگر نه اینکه می‌گویند قرآن، کتاب هدایت است؟ ما با راهنمایی قرآن می‌توانیم قصه‌گوی خوبی باشیم و روایت‌گری جالبی برای هدف‌مان داشته باشیم. قصه‌های قرآنی هم از نظر اصول قصه‌گویی و هم از نظر محتوا و روایت بسیار عالی هستند.

کلمه به کلمه قصه‌ها در قرآن دقیق و نکته‌بینانه چیده شده است. روایت‌های عجیب‌وغریب و باورنکردنی را می‌توان در قرآن دید. از داستان حضرت آدم(ع) گرفته تا حضرت خاتم(ص). در هر قصه‌ای سوژه تکراری نمی‌توانی پیدا کنی. هر قصه برای مخاطب درس‌هایی دارد و هدفمند است؛ قصه‌هایی پر از تعلیق با رعایت ایجاز و لحن زیبا و صحنه‌پردازی دقیق، طوری که می‌توان در چند جمله آن تصویر را به خوبی مجسم کرد. قصه‌های قرآنی از آن قصه‌هایی است که علاوه‌بر اینکه در قرآن آمده است بلکه سینه به سینه نیز نقل شده است.

در گذشته که روایت‌گری قصه بیشتر بود، کودکان از این طریق، یعنی از والدین و اطرافیان بیشتر می‌شنیدند؛ اما حالا از طرق دیگر قصه‌ها را می‌شنوند. قصه‌های قرآنی برای خود من در کودکی جذاب و بکر بود. احساس می‌کردم که این قصه‌ها از یک جای دیگر آمده است.

مثلاً افسانه‌های چینی، ژاپنی، مکزیکی و... داریم. قصه‌های کهن از کتاب‌های کهن داریم که نشانی‌اش معلوم است. از یک قوم، کشور یا از یک نویسنده به ما رسیده است؛ اما جنس قصه‌های قرآن آسمانی است. انگار از یک جای دوردستی آمده که پر از نور و روشنی است و در عین حال، قصه‌ها با حال‌وهوای انسانی و امروزی ما هم سازگارند. فکر می‌کنم قصه‌ها می‌توانند برای هر گروه سنی مناسب باشند چون به نیازهای انسانی پاسخ داده‌اند.

برای خود من در سال‌های دور کودکی، گوش سپردن به قصه زندگی حضرت یوسف(ع) بسیار جالب و دلنشین بود.

وقتی که پدرم این قصه را برای جمع تعریف می‌کرد، همه سر ذوق می‌آمدند: قصه‌ای پر از درس‌های زیاد. من چون چند برادر داشتم، قسمت برادران یوسف برایم جالب بود؛ همچنین زیبایی حضرت یوسف و ماجرای ماه و ستاره.

اما درباره اینکه قصه سرنوشت پیامبران و مردمی را که در قرآن روایت شده است، چطور باید به کودکان و نوجوانان امروز انتقال دهیم معتقدم، قصه‌های قرآنی جذابیت‌های خود را دارند؛ مهم نحوه انتقال این قصه‌ها به مخاطب است.

با توجه به تغییر ذائقه مخاطب، باید کودک و نوجوان امروز را شناخت و از طریق آشنا شدن با زبان این نسل با آنان صحبت کرد. البته تلاش‌های زیادی شده است که به روش‌های مختلف و ابزارهای مختلف، قصه‌های قرآنی را به چشم و گوش و ذهن کودکان و نوجوانان منتقل کرد؛ ولی باز هم نیاز است که از روش‌های نوین بهره برد.

از نظر زبان باید متناسب هر سنی قصه‌ها را انتخاب و روایت کرد چراکه برخی از داستان‌ها برای گروه سنی مثلاً کودک مناسب نیست.

هر چند نویسندگان کودک و نوجوان زیادی در این مسیر گام برداشته‌اند؛ ولی باز هم باید این قصه‌ها بازنویسی شوند چراکه ممکن است مخاطب امروز با کتاب‌های چند سال پیش ارتباط برقرار نکند. از نظر فرم و شکل هم همین طور.

باید با نگاهی نو و روایت‌گری جذاب و خلاقانه‌ای، قصه‌ها را به دست مخاطب رساند. کتاب‌های کمیک، استفاده از واقعیت افزوده، ساخت بازی با قصه‌های قرآنی، انیمیشن، کلیپ‌های کوتاه و حتی شعرهای کودکانه می‌توانند در جذب مخاطب مؤثر باشد.

عکس نوشت

اجرای ارکستر ملی ایران در روزهای پایانی سال

ارکستر ملی ایران در آخرین اجرای خود در سال ۱۴۰۲ (پنجشنبه ۲۴اسفندماه)، با ترکیبی از نوازندگان سازهای زهی، اجرای آثاری از احمد پژمان ، مهران روحانی، علی تجویدی و روح‌الله خالقی به رهبری میهمان مازیار ظهیرالدینی را روی صحنه برد.

عکس: ایران/ حسین نقی زاده